



دشمنان این اولین فیلم علی درخشنده است که در بخش نگاه نوی جشنواره سی و هشتم حضور دارد. «دشمنان» داستان زنی مسن است که در شهرک اکباتان زندگی می‌کند و با انواع اقسام بدبینی‌ها مواجه می‌شود؛ همسرش او را ترک کرده، پسرش چند روزی است گم شده و دخترش با مادر رزگش زندگی می‌کند.



کوچه این فیلم کوتاه، به کارگردانی محمدرضا مصباح، پیش از اکران در جشنواره فجر، جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران در جشنواره ۳۶ فیلم کوتاه تهران را کسب کرده است. فیلمنامه این کار را بهمن بهرام ارک نوشته‌اند که کارگردانان فیلم سینمایی «پوست» از فیلم‌های حاضر در جشنواره فجر امسال نیز هستند. بازیگران این فیلم کوتاه هم در نوع خود نامی هستند. گلاب آدینه و نورآهانشی.

گفت‌وگو با بهرام ارک؛ کارگردان فیلم متفاوت «پوست»

من جن را نشان می‌دهم

محمدرضا مصباح

در میان آثار جشنواره همیشه فیلم‌هایی با ژانرهای متفاوت تا پایان جشنواره روی لبه تیغ حرکت کرده‌اند. فیلم «پوست» ساخته بهرام ارک از همین آثار است که در بخش سودای سیمرغ شرکت کرده و داستانی متفاوت را در فضایی متفاوت از حداقل فیلم‌های پنج سال اخیر روایت می‌کند. کارگردان این فیلم اولین اثر سینمایی بلند خود را به زبان ترکی ساخته و امیدوار است فیلمش بتواند شروعی در مسیر ساختن فیلم‌های ایرانی با زبانی به غیر از فارسی باشد.

تاجایی که باعث لورقتن ماجرا نشود به ما بگوید که قصه این فیلم چیست؟

فیلم سینمایی «پوست» حاصل روایت یک عشق ساز به دست از ادبیات شفاهی آذربایجان و داستان‌هایی است که به صورت شعر و... روایت می‌کند. داستان فیلم ما، قصه عشقی است که باید از طلسمی که عشقش به آن دچار شده است عبور کند تا به معشوقش برسد.

چطور شد که این داستان را برای اولین فیلم بلند سینمایی‌تان انتخاب کردید؟

من در طول مسیر فیلمسازی ام، راه‌های مختلفی را طی می‌کنم. از فیلم «جس» به بعد تصمیم گرفتم که فیلمسازی را به شکل دیگری ادامه بدهم که این تصمیم منجر به ساخت فیلم کوتاه «حیوان» شد تا تجربه جدیدی در کار ساخت و روایت داشته باشم و این غریب بودن و آن جادوی سینما را طوری کنار هم قرار بدهم که به شکلی از عناصر خود سینما استفاده کنیم و یک چالش داستانی به آن بدهیم. در فیلم «پوست» هم دنبال این نبودم که فقط یک فیلم داستانی بسازم، دنبال این بودم که چطور می‌توانم از دست‌های فولکلور و بومسی و عناصری مثل کتاب «نذّه قورقود اسطوره» روایتی داشته باشم. این جایک نفر اسطوره‌های آذربایجان را به صورت یک عشق روایت می‌کند؛ پیری که ساز به دست داستان‌هایی را از آذربایجان مثل «دل دوم جیل» می‌گوید؛ داستان کسی که با عزرائیل در حال جنگ است. به این فکر کردم که چگونه امکان دارد من از این موضوع استفاده کنم و جهان غریبی را خلق کنم، جهانی که در آن جادو باشد، موزیکال باشد و حالت غریب و وحشتناکی هم در دل آن اتفاق بیفتد. این داستان پیچیده‌ای بود که گفتن از آن سخت بود، ولی تلاش کردم که با ساخت و دکور و بازیگری و ایجاد اتمسفری که به آن فکر می‌کردم و برای خود سینمای ایران هم تجربه جدیدی بود، به مولود منظره ببرم. خوشبختانه تا حدودی در این امر موفق بودم و اثر بعد از دیده شدن در بخش سودای سیمرغ هم قرار گرفت و نگار که تا حدودی به این مساله نایل شدیم. امیدواریم مخاطبانی که در این بستر نفس نکشیده‌اند و با آن آشنا نیستند هم بتوانند ارتباط لازم را برقرار کنند و این اتمسفر جزئی از سینمای کشورمان شود.

فیلم کلا به زبان آذری است، درست است؟

بله به زبان ترکی است.

فکر می‌کنید مثلاً مخاطب فارسی زبانی که خیلی با این زبان و قضا آشنا نیست هم می‌تواند با فیلم ارتباط بگیرد؟

من فکر می‌کنم که مخاطب، مخاطب جاهوشی است. وقتی خیلی از مخاطبان برای دیدن فیلم‌ها با زبان‌های مختلفی که در فستیوال‌های معتبر جهانی حضور دارند، علاقه نشان می‌دهند پس می‌تواند این کار هم ارتباط بگیرد و فیلم ما را با زیرنویس فارسی ببینند. فکر می‌کنم مخاطب ایرانی با هر مخاطبی که پای فیلم می‌نشیند، به این مساله عادت کرده تا فراتر از زبان به مساله فیلم نگاه کند و خب من هم یک تلاش‌هایی در این زمینه می‌کنم. وقتی فیلمی به زبان ترکی می‌سازم

هدم این نیست که مخاطبی را آزار بدهم، هدتم پیشنهاد جدیدی به مخاطب ایرانی است تا بتوانم بگویم که در بسترهای دیگری هم می‌شود فیلم‌هایی ساخت که دوست داشتی باشند و بتوانند فضاهای عجیبی را ایجاد کنند.

ما وقتی یک فیلم فرانسوی، آمریکایی یا انگلیسی نگاه می‌کنیم، بازیگر نویسی می‌بینیم و خب چه اشکالی دارد یک فیلمی ببینیم که به زبان ترکی باشد که زیرنویس فارسی دارد. امیدوارم این اتفاق که سال‌هاست در تبریز می‌افتد و تلاش‌های سینمایی‌های این خطه، با استقبال مخاطبین روبرو شود و دوام داشته باشد. چون سینما با مخاطب زنده است و مخاطب هم بالاخره باید حلقی فیلمی باشد که تلاش می‌کند ایده‌های جدیدی برای سینما ایجاد کند.

چقدر از فیلم «پوست» دقیقاً همان چیزی شد که از ابتدای آن فکر می‌کردید؟

وقتی فیلم می‌سازم، پرورده‌ای را طی می‌کنم که همه آن فقط فیلمنامه نیست، یعنی فیلمنامه را می‌نویسم که در اجرا عوضش کنم. وقتی سر صحنه می‌روم تا اجرا کنیم به چیزهای دیگری می‌رسیم و در نهایت آن چیزی که به دست می‌آورم، حاصل پرورده ساخت و همزمان نوشتن و تغییر است. درباره ارزش‌های فیلم هم این اتفاق می‌تواند رخ دهد. یعنی کار در حین ساخت ارزش‌هایی پیدا می‌کند و من آن ارزش‌ها را برجسته می‌کنم. ارزش‌های لایه جاق می‌شوند و ارزش‌های جاق لایه می‌شوند. در این فیلم هم این اتفاق افتاد. وقتی یک فیلمی را می‌سازم، بارها و بارها این موضوع را رصد می‌کنم و به یک معجزه می‌رسیم که شاید از شما شنیدیم آن ایده اولیه هم نشود، ولی مهم‌ترین خصیصه‌اش این است که این خلق کردن هیچ وقت از بین نمی‌رود و همواره ادامه پیدا می‌کند تا به اثری برسیم که بگویم حضور من در سر صحنه حضوری نبوده که فقط روی فیلمنامه کار کنم. من در واقع یک فیلمنامه می‌نویسم و یک چیز دیگر هم اضافه می‌کنم. بعد که فیلم را می‌سازم در تدوین هم این اتفاق می‌افتد و به روایت منحنی‌هایی می‌دهم و قوس شخصیت‌ها را عوض می‌کنم تا چیزی از آن در بیاید. همیشه خروجی آخر با چیزی که اول در نظر داشتیم متفاوت است.

این تفاوت مثبت است؟

تلاش در جهت تفاوت مثبت است و سعی می‌کنم فیلمم بهتر شود.

بعضی وقت‌ها اول ماجرا به یک چیزی فکر می‌کنید و بعد می‌پسندید که شدنی نیست، پس به سراغ نقشه دوم می‌روید. شما هم این تجربه را داشتید؟

این طوری نبوده است. ما پای کار هستیم. مثلاً من وقتی این فیلم را می‌دادم گفتم که جن را نشان می‌دهم و در نهایت نشان دادم. یعنی این جور می‌شد که بگویم نتوانستم آن را اجرا کنم پس نشانش ندادم. می‌خواستیم فیلمی بسازیم که قسمت‌های موزیکال داشته باشد و دکورش را خودم بسازم و در نهایت هم کل دکورهای فیلم را بسازم. این طور نیست که بگویم نشد پس آن ایده‌ها را رها کنم. پیش آمده که مثلاً مجبور شدم لوکیشن را عوض کنم، ولی قید نقشه‌هایم را نزنم.



اسلواویتی یک فیلم‌ساز سر صحنه است نقشه‌هایی در سر دارد. اگر قرار است آن نقشه‌ها عملی نشوند پس چرا آن فیلم را می‌سازد؟ من و بهمن نقشه‌هایی را که در این فیلم داشتیم عملیاتی کردیم و امیدوارم که این اتفاق خوب باشد و بتوانیم مخاطب را راضی کنیم.

فکر می‌کنم شما نوع روایت و ویژگی‌های جدیدی دارید.

بله در این کار یک راوی داریم که قصه را روایت می‌کند و خودش هم در فیلم نقش مؤثری دارد؛ یعنی راوی کسی نیست که فقط قصه را روایت کند، خودش وارد قصه می‌شود و بعضی از منحنی‌های قصه را عوض می‌کند و اعتقادات خودش را نسبت به مساله مطرح شده در ماتیکی فیلم بیان می‌کند.

شما با فیلم کوتاه «حیوان» تجربه گرفتن سیمرغ را هم داشته‌اید. احساس می‌کنید سیمرغ دومی را اشک‌گرمی‌کنید؟

جواب دادن به این سوال سخت است. اول این که در مورد فیلم کوتاه، من و بهمن بعد از سالین سال کل کردن به یک پیختگی رسیدیم که به نتیجه و ثمرش در جشنواره‌های خارجی و داخلی تا حدی دست پیدا کردیم و مخاطبان خودمان را داشتیم. ماجدی گرفته می‌شدیم و از ما انتظار داشتند فیلم خوب بسازیم. این فیلم می‌شود گفت که اولین فیلم سینمایی من است و مسیری که شروع کردم مسیر دشواری است. در این مسیر شاید من نتوانم به تمام قله‌های سینمایی نائل بشوم ولی شروعی را که داشتیم دوست دارم و امیدوارم بتوانم دوران را متقاعد کنم که توجه بیشتری به من داشته باشند. رقیب‌های سختی داریم که فیلم‌هایی جدی هستند و همه این‌ها باعث می‌شوند که آدم نتواند زود قضاوت کند. در نهایت امیدوارم که داورها به این فیلم توجه کنند چون پیشنهاد جدیدی است و دوست دارم که این توجه باعث شود مسیر را که شروع کردم با امنیت و اهتمام لازم پیش ببرم.

پرورده تولید دقیقاً چقدر طول کشید؟

ما بعد از گذشت بیست روز از شروع کار، به خاطر مشکلاتی که در تولید پیش آمد یک توقف دوماله داشتیم، بعد دو ماه دوباره فیلمبرداری را شروع کردیم و نهایتاً در شصت و پنج روز این فیلم را فیلمبرداری کردیم. فیلم دو فلز دارد که فیلمبرداری و پشت صحنه فلز یک و فلز دو با هم فرق دارند.

چرا این اتفاق افتاد؟

یک بخشی از این برمی‌گشت به این که داشتیم فیلم را در تبریز می‌ساختیم و یک جایی که بچه‌ها از تهران آمده بودند با بچه‌های تبریز، مشکلات تولیدی ایجاد شد. هزینه‌ها فراتر از بودجه در نظر گرفته شد و باید پای قرارداد می‌رفتیم و پروژه خرابید. بعد سرمایه‌گذار دیگری جذب و مجری طرح عوض شد. بعد با عوامل بومی که قبلاً با آن‌ها کار می‌کردم ادامه دادیم تا بتوانیم پروژه را سبک‌تر و لوزن‌تر پیش ببریم. آقای مصباح از ماحمایت کردند و پای کار ایستادند. از طرف دیگر آقای علی ایملی راه که دستیار پروژه تهیه‌کننده بود وارد کارمان شد و پروژه را نسبت به فلز اول با فلز دوم تنظیم کرد تا بتوانیم کار را پیش ببریم.

